

## حمایت دموکرات‌های همدان از نهضت جنگل و مبارزه با نیروهای انگلیسی

○ ابوالفتح مؤمن

۹۹

### اشاره

همدان در طول ادوار تاریخی، دارای نقش و موقعیت ممتازی بوده است؛ به خصوص قرار گرفتن این شهر در مسیر جاده ابریشم، و محل انشعاب این جاده به شمال، مرکز و غرب ایران اهمیت ویژه‌ای را به آن بخشیده است. هر مهاجم و نیرویی که می‌خواست از سمت غرب به شمال و مرکز ایران دست یابد، باید از این گذرگاه می‌گذشت؛ به طوری که وقایع جنگ جهانی اول و دوم این موضوع را به خوبی تأیید می‌کند.

همدان با داشتن این موقعیت منحصر به فرد، در جنگ جهانی اول، به طرفداری و هواداری از آلمانی‌ها و عثمانی‌ها برخاست. بلافاصله با نهضت جنگل و میرزا کوچک‌خان رابطه برقرار کرد، و به مبادله اخبار و اطلاعات با آنان پرداخت. در این زمینه دموکرات‌های همدان، نقش برجسته‌ای داشتند. محمدحسن خان فریدالدوله، که خود از طرفداران سرسخت میرزا کوچک‌خان بود، رهبری آنان را به عهده داشت. در این گفتار برآنیم، که بتوانیم روابط و همکاری میان دموکرات‌ها و جنگلی‌ها، همچنین چگونگی مقابله با انگلیسی‌ها را کاوش کنیم. امید است که این نوشته و اشاره، مایه ترغیب و تشویق دانش‌پژوهان و پژوهشگران درباره تأثیر نهضت جنگل در دیگر مناطق ایران گردد.

### الف) دموکرات‌ها و استبداد صغیر

قبل از آنکه وارد موضوع ارتباط حزب دموکرات همدان، که برخاسته از مجلس دوم و سوم بود، با نهضت جنگل شویم، لازم است به روند شکل‌گیری و نحوه مبارزه آنان با استبداد صغیر و

اعاده مشروطیت پرداخته شود.

محمدعلی شاه در ۲۲ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ هـ ق به قزاقان تحت فرماندهی بالکونیک لیاخوف روسی دستور داد، مجلس شورای ملی را به توپ ببندد. پایداری مجاهدین در مقابل حملات لیاخوف نتیجه‌ای نبخشید؛ اما پس از کودتای محمدعلی شاه، که به استبداد صغیر معروف شد، (ج ۲/۱۳۲۷ - ج ۱/۱۳۲۶) جنبش مقاومت در کشور تدریجاً، شکل گرفت. بدین ترتیب، ایالات سر به قیام داشتند؛ اصفهان در دوم ژانویه ۱۹۰۹ م به دست بختیارها افتاد. رشت در هشتم فوریه از آن پیروی کرد. همدان و شیراز در بیست و پنجم مارس، یکی پس از دیگری به عناوین متعدد به قیام برخاستند.<sup>۱</sup> از طرف دیگر، خبر اردوکشی مجاهدین گیلان و بختیاری‌ها به سوی تهران، جنبش انقلابی همدان، لرستان و سایر نواحی ایران را قوت بخشید.<sup>۲</sup>

به دنبال کودتای محمدعلی شاه، انجمن ولایتی همدان که از ۱۳۲۵ هـ ق ریاست آن بر عهده آیت‌الله شیخ محمدباقر بهاری<sup>۳</sup> بود، مجدداً فعال گردید و خواهان اعاده مشروطیت شد؛ به همین علت فرماندار همدان ناگزیر از استعفا شد.<sup>۴</sup> این در حالی بود که اهالی همدان، برای مقابله با مستبدان تحت رهبری شیخ محمدباقر بهاری و فریدالدوله گلگون<sup>۵</sup> متحد شده و جنب و جوش عجیبی بر شهر حاکم شده بود.<sup>۶</sup>

۱۰۰

به این ترتیب، مردم به کمک مجاهدین قفقازی - قزوینی، اردوی ملی همدان را تشکیل دادند. ورود مجاهدین قفقازی به همدان، به یک احتمال، در قبال شرکت افواج خوانین قراقرزلوی همدان، علیه مشروطه‌خواهان تبریز بوده است، و به احتمال دیگر، آنان پس از سقوط تبریز به دست روس‌ها به همدان آمدند؛ شاید هم از زمره مجاهدین گیلانی بوده‌اند، که در قزوین مستقر شده بودند. البته در جریان انقلاب مشروطه، عده‌ای از آذربایجانی‌ها، امثال نوبری‌ها در همدان فعالانه حضور یافتند. روزنامه اثر انقلاب ارگان اردوی مجاهدین همدان، در این باره نوشت:

گروهی مردمان بصیر و دانا محض ارائه طریق از طرف مجاهدان ایران به این شهر آمده، در رفع

اختلافات شهر کوشیدند، تحصیل اتحاد نموده و به تشکیل «کمیسون جنگ» اقدام کردند.<sup>۷</sup>

البته حزب سوسیال دموکرات همدان در این حرکت مسلحانه نقش مؤثری داشت. رئیس محلی

آن محمدحسن خان فریدالدوله بود که بعدها از همدستان میرزا کوچک در همدان گردید.<sup>۸</sup>

عناصر سوسیال دموکرات در جریان قیام مردم علیه استبداد صغیر، در آذربایجان و گیلان نقش ویژه‌ای داشتند. بسیاری از آنها، که از اعضای حزب همت باکو بودند، در این بحبوحه، حضوری پررنگ داشتند. البته تقسیم مجلس شورای ملی و افراد سیاسی جامعه به دو گروه «دموکرات» و «اعتدالی» از دوره دوم مجلس شورای ملی مشخص گردیده بود. دموکرات‌ها افکار تند و انقلابی داشتند و خواهان اصلاحات سریع و فوری در جامعه و سیاست خارجی بودند. در حالی که

حمایت دموکرات‌های همدان از نهضت جنگل و...

اعتدالیون جزو محافظه‌کاران بودند. محمدعلی خان فرزین (کلوپ)، نماینده مردم همدان در مجلس سوم، از جمله دموکرات‌هایی بود که همراه مهاجرین به کرمانشاه و سپس استانبول مسافرت کرد. مجاهدین قفقازی و دموکرات‌های همدان، در اردوی ملی به عنوان معلم مشغول تعلیم و آموزش شدند. مجاهدین مذکور، در قلعه کهنه (دبیرستان امام خمینی) اردوگاه خود را برپا کردند و تپه مصلی را برای تمرینات نظامی برگزیدند. جمع‌آوری مجاهدین مسلح، منحصر به دموکرات‌ها نبود؛ چرا که شیخ محمدباقر بهاری نیز اردویی از میدان خود فراهم آورد.<sup>۹</sup> پس از تشکیل اردوی ملی، تلگراف‌هایی از ایالات و ولایات مبنی بر تبریک و اظهار خرسندی به کمیسیون جنگ ارسال شد.

انجمن ایالتی گیلان ضمن تبریک به برادران غیور همدان خواستار آن شد، که هر قدر ممکن باشد، اعانه ملی و افراد مسلح به اردوی ملی در اطراف تهران کمک شود.<sup>۱۰</sup>

اردوی ملی، ضمن کمک و مساعدت با اردوی اطراف تهران، امنیت شهر همدان را عهده‌دار گردید. آنها در حالی که آماده حرکت به سوی تهران بودند، خبر فتح تهران توسط مجاهدین گیلانی و بختیاری در روزهای ۲۵ و ۲۶ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ هـ.ق به آنان رسید که همین خبر موجب شد، از حرکت بازمانند. اعضای دموکرات‌های همدان که در این مرحله فعال بودند، عبارت بود از: سیدحسین مترجم نظام همدانی (مدنی)<sup>۱۱</sup>، محمد یوسف‌زاده (غمام)<sup>۱۲</sup> از شعرای همدان، میرزا محمدعلی خان فریدالملک، هاشم خان فریدالملک و ابوالقاسم محمودزاده رئیس کمیسیون جنگ معروف به رئیس‌المجاهدین. وی همان کسی بود که رهبری مهاجران را از قزوین به طرف غرب در جنگ جهانی اول عهده‌دار گردید.<sup>۱۳</sup>

### ب) ارتباط و همکاری دموکرات‌ها با نهضت جنگل در جنگ جهانی اول

همدان از مشکلات استبداد صغیر، کمر راست نکرده بود که جنگ جهانی اول آغاز شد. این در حالی بود که دموکرات‌های همدان به امور فرهنگی مشغول بودند. برای نمونه آنها مدرسه نصرت را تأسیس کردند. در همین ایام، مردم در اعتراض به رفتار مظفرالملک حاکم همدان بازار و دکان‌ها را تعطیل کردند که در نتیجه وی برکنار و به جای او، عباس میرزا از جانب پدرش، عبدالحسین میرزا فرمانفرما که والی غرب ایران بود، به عنوان حکمران، راهی همدان گردید.<sup>۱۴</sup> حکمران جدید هم نتوانست انتظام چندانی به شهر دهد. زیرا فعالیت کنسولگری‌های روس، انگلیس، آلمان و عثمانی در همدان، برای جذب نیرو و تغییر شرایط به نفع خود، اوضاع شهر را به هم ریخته بود. از سوی دیگر، مردم شهر اعم از تحصیل‌کردگان، فرهنگیان، روحانیون، بازاری و عامه مردم به دلیل نفرت شدید از ظلم و ستم روسیه و انگلیس به طور غیررسمی و غیرعلنی طرفدار آلمانی‌ها

و عثمانی‌ها بودند. در این میان، دموکرات‌های همدان از همه فعال‌تر و جدی‌تر بوده، لحظه‌ای از مبارزه با روسیه و انگلیس غافل نمی‌شدند.

حرکت نیروهای روسی به سوی تهران هیجان و اعتراض شدید مردم همدان را موجب گردید؛ به نحوی که آنان در مجامع و مساجد جمع شدند، و در حالی که دموکرات‌ها برای آنان سخنرانی می‌کردند با پوشیدن کفن در تلگراف‌خانه بست نشست، به اولیای دولت تلگراف فرستادند.<sup>۱۵</sup> در همین زمان، عده‌ای از قزاق‌ها نیز به ژاندارمری پیوستند.<sup>۱۶</sup>

در این ایام احسان‌الله خان دوستدار به جمع دموکرات‌ها و قوای ژاندارمری به فرماندهی محمدتقی خان پسیان پیوست تا علیه روسیه به مبارزه پردازد. سفارت روسیه در ضمن مکاتباتی در ذی‌قعدة ۱۳۳۳ هـ ق به وزارت امور خارجه ایران در این باره نوشت:

در تکمیل مراسله مورخ ۱۶ شوال حال نمره ۱۷۴ خود با نهایت توقیر و احترام تصدیق می‌دارد که از قرار اخبار واصله از همدان فساد اوضاع آنجا روزافزون و اگر به همین قرار بماند اشکالات زیاده‌تر خواهد شد. مفسدین با جدیت تمام مشغول کار و به آقای [علی آقا] شریعتمدار که او را مقصر به روس خیلی قرار داده‌اند تکلیف نموده‌اند، که یا در عرض یک هفته علناً به مسلک آنها داخل شود، یا در صورتی که نخواهد در منزل خود منزوی بوده [و] قطع مراد، پلنکی نماید، باید به کلی همدان را ترک کرده، هجرت نماید. بنا علیه دوستدار مراتب را به استحضار خاطر مودت مظاهر جناب مستطاب اجل عالی رسانده، مخصوصاً خاطر نشان می‌نماید، که اگر اولیای دولت علیه واقعاً قصد دارند که رفع فساد در همدان شده، مشکلات مرتفع گردد، باید مزیدالدوله، ظهیر دفتر، جلال‌الممالک، رضاخان برهان‌المتکلمین و احسان‌الله خان از آنجا تبعید شوند تا اوضاع مساعد شود.<sup>۱۷</sup>

وضع همدان به سبب رفتار کنسولگری‌های اروپایی، به صورت دژهای مسلح<sup>۱۸</sup> درآمده بود، که روز به روز بدتر می‌شد. در همین اوضاع (۱۳۳۳ ق) روس‌ها درصدد برآمدند با پاکسازی نیروهای مخالف در راه غرب، از همدان تا عراق و بین‌النهرین، مسیر حرکت خود را در حمله به عثمانی‌ها و آلمانی‌ها و پیوستن به انگلیسی‌ها هموار سازند. اما در این میان نیروی ژاندارمری به فرماندهی محمدتقی خان پسیان، که از آلمان‌ها هواداری می‌کرد، مانع تحقق این امر شد. آنان با اخراج قزاق‌ها که رضاخان میرپنج هم جزو آنها بود، عملاً وارد معرکه شدند. میروشنکف در این باره می‌نویسد:

آلمان‌ها عملیات نظامی مؤثری را در همدان آغاز کردند. در آغاز نوامبر یک واحد ژاندارم به سرکردگی کلنل محمدتقی خان پسیان با کمک و پشتیبانی یک فوج مجاهد به رهبری احسان‌الله خان به قزاق‌های ایرانی حمله برد. قزاق‌ها مقاومت نکردند؛ عده‌ای از آنها فرار کردند و بقیه

حمایت دموکرات‌های همدان از نهضت جنگل و...

### اسیر شدند.<sup>۱۹</sup>

این نبرد، که به جنگ تپه مصلی معروف شد، باعث تفوق و کنترل و اداره شهر همدان به دست ژاندارم‌ها گردید. از سوی دیگر حضور احسان‌الله خان و دیگر آزادی‌خواهان در همدان، برای مبارزه با روس‌ها، نشان از ارتباط و همبستگی این نیروها - هر چند مقطعی - با هم در همدان دارد. رضاقلی قائم‌مقامی، که خود در جنگ تپه مصلی در کنار احسان‌الله خان و محمدتقی خان حضور داشت، در این باره می‌گوید:

یاور محمدتقی خان با جوانمردی و احترام زیاد فرماندهی قوای قزاق [همدان] را به تسلیم اسلحه و مهمات و رفتن به مرکز دعوت نمود، ولی افسران قزاق ضمن جواب توهین‌آمیز به تحویل سلاح راضی نشدند. با این حال یاور مذکور توهین کتبی سرتیپ محمود آقا و افسران قزاق را ناچیز پنداشته، بار دیگر با احترام بیست ساعتی به آنها مهلت داده بود که بدون زد و خورد سلاح را تحویل دهند. انجام این تکلیف بر فرماندهان قزاق بسیار سنگین بوده و میسر نمی‌شد... خواهی‌نخواهی محل سکونت خود یعنی کاروانسرای بزرگ در ریشه تپه مصلی را سنگربندی و استحکامات جنگی آماده نموده و چون سمت را از شمال تپه تصور می‌کردند، منظر جبهه خود را در همان سمت قرار دادند. یاور محمدتقی خان از نظر شرافتمندی نمی‌خواست با قهر غلبه حریف را سرکوب نماید، لیکن چون دو مرتبه به آنها پیشنهاد داده بود، از تسلیم اسلحه خودداری نمودند، ناچار نقشه تعرض و تهاجم خود را طرح کرده با حال تأسف و ظایف واحدهای مهاجم را تعیین کرد. در ساعت اتمام مهلت سه بعد از نصف شب از سمت شمال تپه مصلی همان‌طور که قزاق‌ها در انتظار بودند، حمله شروع شد.<sup>۲۰</sup>

پس از حمله، قزاق‌ها شکست خوردند؛ تعدادی از فرماندهان آنان از جمله رضاخان میرپنج به منازل علمای همدان پناه بردند. در نهایت با وساطت روحانیان قرار بر این شد که همدان را به سوی قزوین ترک نمایند.<sup>۲۱</sup> به دنبال آن، همدان عملاً در اختیار محمدتقی خان پسیان و مجاهدین دموکرات که نقش موثری داشتند، قرار گرفت.<sup>۲۲</sup>

چند ماه پس از این فتح و پیروزی از طرف کلنل محمدتقی خان پسیان، عده‌ای از دموکرات‌های همدان که از افرادی هم‌چون میرزا حسین‌خان معاون، لاهوتی و میرزاده عشقی در آن عضویت داشتند، مأور شدند از راه زنجان، خلخال، طارم و انبارلوی گیلان به جنگل عزیمت و با میرزا کوچک‌خان ارتباط برقرار کنند.<sup>۲۳</sup> به احتمال زیاد این اولین تماس مجاهدین و دموکرات‌های همدان با میرزا کوچک‌خان است.

در اواخر ۱۳۳۳ ه‍.ق حسن‌خان معین‌الرعیایا و اسمعیل‌خان، خواهرزاده میرزا کوچک‌خان، به عللی از جنگل قهر کرده به همدان رفتند.<sup>۲۴</sup> حضور این افراد، مسلماً همراه با انتقال اطلاعات

و اخبار نهضت جنگل به مردم همدان بوده، آگاهی و شناخت مردم از میرزا و جنگل را بیشتر می‌کرد. از طرف دیگر، ایوانف در کتاب انقلاب مشروطیت ایران آورده است:

افسران آلمانی توانستند، کوچک‌خان را راضی کنند تا چند دسته مجاهد به کمک واحدهای آلمانی و عثمانی که در حوالی همدان و کرمانشاه فعالیت می‌کردند، بفرستد.<sup>۲۵</sup>

درباره درستی یا نادرستی این مطلب، در منابع دیگر مطلبی نیامده است. همچنین اسناد و مدارک معتبری برای تأیید یا رد آن یافت نشد. شاید منظور ایوانف رفتن حسن‌خان معین‌الرعایا و اسمعیل خان جنگلی به همدان است.

به دنبال تسلط محمدتقی خان و دموکرات‌ها بر همدان، روس‌ها در صدد برآمدند با تصرف این شهر به سوی کرمانشاه و بین‌النهرین حرکت کنند. از همین رو به همدان هجوم آوردند، ولی در گردنه آوج تا همدان با مقاومت نیروهای ژاندارمری، دموکرات‌ها و افرادی که تحت رهبری محمدتقی خان، احسان‌الله خان و حاجی محمدجعفر کنگاوری بودند روبه‌رو شده، در چند مورد عقب‌نشینی کردند.<sup>۲۶</sup> در این هنگام دموکرات‌ها به رهبری فریدالدوله علیه روسیه و انگلیس دست به تبلیغات گسترده زدند، تا جایی که کنسولگری آنان در همدان مجبور شد از استخدام و جذب نیروهای عشایری و بومی منطقه صرف‌نظر کند.<sup>۲۷</sup> ناگفته نماند، که در این برهه، دموکرات‌ها به منزله ستاد تبلیغاتی نیروهای مجاهدین و ژاندارم‌ها عمل می‌کردند و با در اختیار داشتن روزنامه‌های محلی، این مسئولیت را به خوبی انجام می‌دادند. علی‌رغم تمام تلاش‌های مجاهدین و قوای ژاندارمری، نیروهای روسی در ۱۱ صفر ۱۳۳۴ هـ/ ۲۶ آذر ۱۲۹۴ ش همدان را به تصرف خود درآوردند. دموکرات‌ها، نظیر میرزاده عشقی، هاشم خان فریدالملک، محمد شفیق تاجر همدانی، فتح‌السلطنه همدانی و... به مهاجرین در کرمانشاه پیوستند. چندی بعد بعضی از آنها رهسپار استانبول شدند. احسان‌الله خان نیز به تهران برگشت و وارد کمیته مجازات گردید.

روس‌ها در ایام تصرف همدان مرتکب فجایعی شدند، که تاریخ از بیان آن شرم دارد. در سال ۱۳۳۴ هـ ق در همدان شایعه شد، که قزاق‌های روس دو دختر ایرانی را در همدان به زور گرفتند، و بر آن‌ها لباس قزاقی پوشانده‌اند و می‌خواهند از راه رشت و انزلی به روسیه ببرند. شایعه این خبر در میان جنگلی‌ها باعث هیجان و ناراحتی آنان شد. بنابراین میرزا کوچک‌خان تصمیم گرفت به خطوط ارتباطی روس‌ها حمله کند. جنگلی‌ها در قریه خمام، بین رشت و انزلی، شبانه به نیروهای روسی حمله کرده، چند نفر از قزاق‌ها را کشتند.<sup>۲۸</sup>

این عمل میرزا کوچک‌خان، علاوه بر این که باعث ترس و رعب روس‌ها گردید، نشان از احساس مسئولیت میرزا نسبت به مردم همدان دارد که بالطبع گرایش مردم را به سوی نهضت جنگل بیشتر ساخت و از طرف دیگر ارتباط و هماهنگی بین مجاهدین و هواداران میرزا در همدان

حمایت دموکرات‌های همدان از نهضت جنگل و...

را دوچندان کرد؛ چنانکه میراحمد مدنی در خاطراتش از مبارزه مردم همدان به عنوان جنگلی‌های همدان یاد می‌کند.<sup>۲۹</sup>

با وقوع انقلاب بلشویکی روسیه در اکتبر ۱۹۱۷م و تغییر رژیم سیاسی این کشور، سربازان و قزاق‌های روسی ناگزیر از ترک ایران شدند. آنها به صورت پراکنده از همدان خارج می‌شدند. در این بی‌نظمی، بازار شهر همدان در آتش سوخت. خبر آتش‌سوزی همدان، بلافاصله از سوی دموکرات‌ها و هواداران میرزا به گوش وی رسید که موجب شد برای جلوگیری از تکرار این وقایع، میرزا تدابیر خاصی را بیاندیشد.<sup>۳۰</sup>

نحوه ارسال پیام‌های دموکرات‌ها و طرفداران میرزا در همدان که بیشتر از طریق تلگراف‌خانه شهر صورت می‌گرفت، موجب گشت دسترویل، فرمانده انگلیسی، در آنجا جاسوسانی بگمارد. درباره این موضوع، در جای خود اشاره خواهد شد.

وجود نیروهای روسی در همدان و استفاده آنان از گندم و مواد غذایی، قحطی و پریشان حالی مردم این شهر را به وجود آورد. تا جایی که گروهی از فقیران و نیازمندان این دیار اعم از زن، مرد، بچه و جوان به گیلان کوچیدند. «هیأت اتحاد اسلام» به منظور ساماندهی این مهاجران همه مساجد، تکایا، بقاع و اماکن عمومی، حتی خانه‌های بعضی از اشخاص را مرمت کرده و مهاجران را به تناسب جمعیت که علاوه بر همدان از کردستان و قزوین نیز آمده بودند، جای داد. در هر نقطه، چند نفر به عنوان معتمد محلی، تعیین می‌شد تا امور فقرای حوزه خود را اداره نمایند. در همین سال، پرورشگاهی نیز برای یتیمان دایر گردید، و بسیاری از کودکان یتیم را که پدر و مادر آنها در حین مهاجرت به گیلان، در بین راه، از گرسنگی مرده بودند، در آن اسکان یافتند.<sup>۳۱</sup> به این صورت گروهی از فقرا و مردم همدان در گیلان ساکن شدند، و از سوی جنگلی‌ها مورد لطف و محبت قرار گرفتند.

با وقوع انقلاب اکتبر روسیه، و خروج اکثر نیروهای روسی از همدان و کشور، انگلیسی‌ها، ژنرال دسترویل را به همراه نیرو و تسلیحات و وسایل جنگی از طریق بغداد، همدان و قزوین به سوی گیلان اعزام کردند.<sup>۳۲</sup> ورود این نیروها به شهر برای مردم همدان مصیبت دیگری بود که با مقاومت و مخالفت شدید اهالی مواجه شد. دسترویل مأموریت داشت، ضمن جمع‌آوری سربازان روسیه در غرب ایران، علیه بلشویک‌ها در گیلان و قفقاز عملیاتی انجام دهد. او در ۱۳ ربیع‌الاول ۱۳۳۶ از بغداد به سوی ایران حرکت کرد، و در مدت کمتر از یک ماه، خود را به انزلی رساند؛ اما مجاهدین جنگلی و میرزا کوچک‌خان مانع پیشروی آنان شده، آنها را وادار به عقب‌نشینی به سوی همدان کردند. بازگشت نیروهای انگلیسی به همدان، نه تنها با استقبال مردم روبه‌رو نشد، بلکه اهالی با وحشت و نفرت به این مهاجمین نگاه می‌کردند:

ورود ما شهر را به هیجان و غلیان انداخت، و شایعاتی در شهر منتشر شد، مبنی بر این که میرزا کوچک خان ما را در رشت نگاه داشته و پس از اخذ طلا و نقره و اشیاء قیمتی ترجماً مرخص کرده است. به ما به چشم شکست خورده و مغلوب نگاه می کردند، و خیال این که زودتر ما را از شهر بیرون کنند، این دفعه قوی تر شده بود. با شرایط موجود، تصمیم بیرون کردن ما از شهر از طرف اهالی ممکن بود تولید زحمت نماید، زیرا مجالس میتینگ در مساجد منعقد کرده و قطعنامه شدیداللعن به دیوار می چسباندند.<sup>۳۳</sup>

در بین مخالفان انگلیسی ها در همدان، فعالیت و تبلیغات دمکرات ها به رهبری محمدحسن فریدالدوله، که با میرزا کوچک خان مکاتبه و مراوده داشت، از اهمیت خاصی برخوردار بود. آنان تمام مشکلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی همدان را ناشی از حضور نیروهای بیگانه می دانستند. به همین سبب ژنرال دنسترویل اعلامیه ای خطاب به مردم همدان صادر کرد:

توقف انگلیس ها در اینجا موقتی خواهد بود، و ابدأ خیال ندارد در این ناحیه ایران مدت مدیدی اقامت نمایند. اقامت موقتی انگلیس جهت عملیات قوای ترک ها بی نهایت لازم است. در کلیه ممالک و نواحی اولین وظیفه ما امداد و مساعدت با اهالی بوده و به هر کجا که بیرق انگلیس وارد شود، به نام آزادی و صلح و رفاه عمومی به احتزاز درمی آید. ما گندم را خریداری نمی کنیم، و برخلاف با تمام قوای خود با قحطی زدگان مساعدت می نمایم. قیمت های سنگین کنونی جنس به واسطه خریداری جنس از طرف ما نیست، زیرا ما گندم خریداری نمی کنیم، بلکه ترقی قیمت جنس به واسطه عملیات دستجات دموکرات ها است، که انبارداران و خبازان را بی جهت مرعوب کرده و وادار می کنند که مظنه جنس را به طور مصنوعی بالا برده و مردم را بر علیه ما برانگیزانند.<sup>۳۴</sup>

به دنبال این اعلامیه، دموکرات های همدان نیز بیانیه ای منتشر و اعلامیه مزبور را محکوم کردند. در این بیانیه، خطاب به مردم همدان آمده بود:

ژنرال انگلیسی می گوید که برای صلح و رفاه عمومی به اینجا وارد شده است، آیا ما از ایشان خواهش کرده بودیم؟ بهتر است این صلح و رفاه را در مملکت خودشان برقرار نمایند. ما که تاکنون در این زمینه از آنها تمنایی ننموده ایم. ایران در یک موقعی متمدن بود، که انگلیس ها حتی معنای آن را نمی توانستند بفهمند. به علاوه ما احتیاجی نداریم که از [کسی] چیزی بیاوریم.<sup>۳۵</sup> آن چه بیش از هر چیزی مایه نگرانی و ترس انگلیس ها شده بود، طرفداری مردم از نهضت جنگل و ارتباط دمکرات ها با میرزا کوچک خان بود.

در شهر همدان عده زیادی بودند که هواخواهی از حضرات [نهضت جنگل] می نمودند و یکی از وظایف عمده خودشان می دانستند، که ما را از شهرها اخراج کنند... در طبقات اعیان و



حمایت دموکرات‌های همدان از نهضت جنگل و...

ممتاز هم میرزا کوچک‌خان طرفدارانی پیدا کرده و عمال و آژانس‌های او در قزوین و همدان و سایر شهرها با نهایت جدیت مشغول تبلیغ و کار بودند. میرزا کوچک‌خان را در واقع ناجی ایران دانسته و یقین داشتند که قوای اجانب را از مملکت بیرون خواهد کرد...<sup>۳۶</sup>

دسترویل بعد از استقرار در همدان، درصدد برآمد با تشکیل یک شعبه اطلاعاتی، جاسوسان خود را در ادارات و مکان‌های حساس جا دهد. او این مأموریت را به کاپیتان ساوندوس واگذار کرد، که وی نیز به خوبی از عهده کار برآمد. یکی از جاهایی که جاسوسان دسترویل به شدت فعال بودند، تلگراف‌خانه همدان بود. آنها به این وسیله به تمام اسناد و مکاتبات مردم همدان و دموکرات‌ها با نهضت جنگل و دیگر آزادی‌خواهان دست یافتند:

ما بدون این که خیانتی از طرف اعضای تلگراف‌خانه همدان سر زده باشد، تلگرافات او را می‌خواندیم. بعضی از تلگرافات او را که معمولی بود ترجمه می‌کردیم ولیکن تلگرافات رمزدار همین طور کشف نشده می‌ماند.<sup>۳۷</sup>

بعد از آن، دسترویل درباره ارتباط دموکرات‌ها با نهضت جنگل می‌گوید:

تقریباً هر روز از طرف آنها به عنوان میرزا کوچک‌خان از یک طرف و سفارت عثمانی از طرف دیگر مراسلاتی فرستاده می‌شد، و کلیه آنها به دست من می‌رسید.<sup>۳۸</sup>

۱۰۷

در یکی از این مراسلات که از طرف دموکرات‌ها به میرزا کوچک‌خان ارسال شده بود، چنین آمده است:

انگلیسیها در اینجا توقف دارند، و عده آنها خیلی قلیل است، با اجازه و موافقت شما می‌توانیم بر علیه آنها قیام کرده و به کلی آنها را نابود نماییم، ولی در این عمل کمک شما خیلی لازم است زیرا ما در اینجا مرد جنگی خیلی کم داریم، و انگلیسیها خوب مسلح هستند. اهالی و رؤسای شهر عموماً طرفدار شما هستند و ما منتظر اشاره شما هستیم. پول ما کم است.<sup>۳۹</sup> با وجود این، درباره این که آیا میرزا کوچک‌خان به تلگراف و مراسله دموکرات‌های همدان جواب داده یا نه، مدرک و سندی در دست نیست، اما در همین زمان، اهالی و دموکرات‌های همدان به مقابله با انگلیسی‌ها پرداختند؛ حتی شبانه به محل استقرار نیروهای انگلیسی تیراندازی کردند. دسترویل در این باره می‌نویسد:

شایعات متعدد شهرت یافته بود که شاید چندان هم بی‌اساس نبود؛ مبنی بر این که تصمیم گرفته‌اند به هیأت نظامی انگلیس حمله کنند... ولی گویا مراقبت‌های دائمی و شبانه‌روزی ما مانع پیشرفت خیالات آنها بوده و به آنها اجازه نمی‌داد که سوءقصد خودشان را نسبت به ما علنی کنند.<sup>۴۰</sup>

انگلیسی‌ها برای جذب مردم همدان و جلوگیری از هواداری و طرفداری آنان از میرزا کوچک‌خان، برنامه‌هایی را به اجرا گذاشتند. از جمله برگزاری مسابقه بازی فوتبال با جوانان شهر،

که البته این ترفند، آنها را در رسیدن به هدفشان چندان یاری نکرد. آنان برای ارتباط با رؤسای شهر و نزدیک شدن به دموکرات‌ها توسط شعبه اطلاعات به جمع‌آوری اطلاعات درباره سیاستیون، دموکرات‌ها و اهالی همدان پرداختند:

با وجود یک چنین شعبه اطلاعات و مهارتی که در تهیه اخبار پیدا شده بود، به دست آوردن اسناد و مدارک مثبتی که معرف خصوصیات اخلاقی و خط‌مشی واقعی اعضاء کمیته دموکرات باشد، که تحت سرپرستی فریدالدوله است، چندان اشکالی نداشت. مکاتبات آنها همیشه روشن و نزدیک به حقیقت بود و من می‌توانستم از نوشته‌های آنها استفاده کرده و از جریان واقعی سیاست محلی مطلع باشم.<sup>۴۱</sup>

ژنرال انگلیسی سعی کرد، به بهانه صرف چای با رؤسای شهر و اعضای دموکرات‌ها باب مراد و مذاکره بگشاید، تا بتواند به نحوی آنها را جذب یا حداقل از مخالفت آنان جلوگیری نماید، اما سیاستیون و دموکرات‌های همدان نه تنها برای مدت مدیدی به دعوت‌های وی پاسخ مثبت نداده و به هیچ ملاقاتی راضی نشدند، بلکه از طریق روزنامه‌های اتحاد، اکباتان، افسانه و... علیه انگلیسی‌ها به مبارزه شدید مطبوعاتی و تبلیغاتی دست زدند.<sup>۴۲</sup>

دنسترویل پس از مدت‌ها تلاش، برای اولین بار با نظام‌السلطان، حکمران همدان دیدار کرد. او درباره نظام‌السلطان که یکی از دموکرات‌های افراطی بود، می‌گوید:

در جامعه معروف شده بود که از افراطی‌ترین دموکرات‌ها می‌باشد و حتی در مصاحبه و مکالمه جلوتر رفته و رنگ آنارشیستی به خود داده بود...<sup>۴۳</sup>

در این ملاقات نظام‌السلطان از تعداد نفرات و تجهیزات و مدت اقامت انگلیسی‌ها سؤال کرد، که در واقع یک بازجویی دوستانه بود که البته به مذاق دنسترویل خوش نیامد و در عوض ژنرال صحبت را به نهضت جنگل و میرزا کوچک‌خان کشاند و اظهار داشت:

میرزا کوچک‌خان آدم خوبی است، و با این که درباره مسائل با او موافقت نظر ندارم، معذالک من او را پسندیده‌ام. گمان می‌کنم علت اختلاف نظر ما هم این باشد که تا امروز موفق نشده‌ایم حضوراً و بدون واسطه با او ملاقات و مذاکره نماییم. اگر ممکن می‌شد و ما همدیگر را ملاقات می‌کردیم، من یقین داشتم کلیه اختلافات موجوده مرتفع می‌شد، تصور می‌کنم حضرت اشرف با نظریه من راجع به او موافق باشید. سؤال من همانطور که انتظار داشتم از طرف او با اظهار تنفر تلقی نشده، لیکن معلوم بود که کراهت و نفرت او از روی عقیده نیست.<sup>۴۴</sup>

ژنرال دنسترویل از علاقه و گرایش حاکم به میرزا آگاه بود. ولی دانست که حاکم از روی مصلحت و ترس به میرزا علاقه‌ای نشان نمی‌دهد. از طرف دیگر، عنوان می‌کند که ما شانس آورده‌ایم حکومت مرکزی با نظر این افراد [مبنی بر طرفداری از نهضت جنگل] موافق نیست

حمایت دموکرات‌های همدان از نهضت جنگل و...

وگرنه ما دچار مشکل حادی می‌شدیم.

ملاقات بعدی دسترویل با امیرافخم شورینی، از خوانین قراقرز لوی همدان بود که برای حفظ منافع و مصلحت‌اندیشی طرفدار روس‌ها و انگلیس‌ها بود تا جایی که وی در زمان تسلط روس‌ها بر همدان از سوی آنان حکمران همدان شد.<sup>۴۵</sup> امیر افخم، به شدت مخالف دموکرات‌ها بود و می‌کوشید بزرگان همدان را به سوی انگلیسی‌ها جذب نماید. از طرف دیگر، دسترویل نیز تلاش می‌کرد، دموکرات‌ها را به سوی خود جذب کند، اما تلاش او سودی نبخشید.

اگر خیال کنیم که با استقرار این دوستی ما موفق خواهیم شد مناسبات حسنه با عموم دموکرات‌ها برقرار نماییم اشتباه رفته‌ایم زیرا این پیش‌آمد سایر دموکرات‌ها را بر علیه دوستان ما به قیام واداشته است.

دیدارهای افراد متعدد با ژنرال انگلیسی عکس‌العمل طرفداران میرزا و دموکرات‌ها را برانگیخت، به گونه‌ای که اخطارنامه‌هایی برای این افراد فرستاده شد:

یکی از رؤسای ادارات مهم محلی که با من دوستی و مراوده دارد به ملاقات من آمده، ضمناً مکتوب تهدیدآمیزی را که دریافت داشته بود ارائه داد. متن مکتوب با جوهر سرخ (علامت خون) نوشته شده بود، و مارک کاغذ هم گراور یک ماوزر [نوعی تفنگ] بود. در ضمن مکتوب نوشته شده بود، همه فهمیده‌اند، که او خودش را به انگلیسی‌ها فروخته و پول گرفته است و چنانچه در دید و بازدید با فرمانده انگلیسی مداومت نماید کشته خواهد شد.<sup>۴۶</sup>

فرمانده انگلیسی در این برهه سعی کرد با کمک‌های ناچیزی به قحطی‌زدگان همدان، نظر عامه مردم را به سوی خود برگرداند، اما این شگرد نیز ناکام ماند. زیرا کمک‌های غذایی میرزا کوچک‌خان به مردم همدان<sup>۴۷</sup>، فعالیت و تبلیغات انگلیسی‌ها را به کلی خنثی ساخت.

ماژور دسترویل پس از مدت‌ها تلاش، دموکرات‌ها را متقاعد کرد که دعوت او را قبول کنند تا شاید از حمایت و تبلیغات آنان به نفع میرزا کوچک‌خان و نهضت جنگل، جلوگیری نماید: مدت‌ها سیاسیون محل رضایت نمی‌دادند که به دعوت من برای صرف چای حاضر شوند، ولیکن رفته رفته دو نفر و سه نفر حضور به هم رسانده و در دست آخر هم فریدالدوله لیدر قهار آنها با شرف حضور خود ما را مفتخر و سرافراز نمود.<sup>۴۸</sup>

با توجه به اسناد و مدارکی که ژنرال انگلیسی از مکاتبات دموکرات‌ها با میرزا کوچک‌خان به دست آورده بود، سعی کرد به هنگام مذاکره، آنان را مجاب و تحت‌تأثیر سخنان خود قرار دهد: با یک چنین اطلاعات و مدارک صحیح و معتبر من خودم را برای پذیرایی مهمانان که جهت صرف چای می‌آمدند، حاضر کرده بودم. در موقع یکی از تشریف‌فرمایی‌ها مهمانان یعنی قریب دو سه ساعت به ورود آنها مانده و مراسله که نظیر مکاتیب سابق‌الذکر [مکاتبه با میرزا و

عثمانی‌ها] بود آوردند. من مضمون هر دو مراسله را مطالعه کردم، و بعد برای پذیرایی واردین حاضر شدم. در این که مهمانان من به من دروغ می‌گفتند، ابدأ تردید نبود و حق هم داشتند. اگر آنها صادق‌ترین مردمان دنیا هم بودند، قطعاً در این موقع در جواب سئوالات من ناچار می‌شدند، دروغ بگویند، زیرا اگر می‌خواستند حقیقت را اظهار نمایند برای مقصود اصلی آنها مضر بود. دسترویل در این میهمانی پس از صحبت راجع به سردی هوا و تلفات قحطی، موضوع میرزا کوچک‌خان را پیش کشید و گفت:

به طوری که شهرت پیدا کرده است و من هم شنیده‌ام گویا شما نسبت به هیأت ما خصومت می‌ورزید، پر واضح است که من نسبت به شایعات و اخبار بی‌اساس نمی‌توانم اهمیتی بدهم. ولی نسبت به اطلاعات صحیح و با اساس البته کاری نمی‌شود کرد... البته شماها با نظرات میرزا کوچک‌خان همراهی و موافقت دارید، و علت هم ندارد که با او همراه نباشید. شما دموکرات هستید او هم از قراری که شنیده می‌شود، از هر دموکراتی دموکرات‌تر است. شاید شما تصدیق کنید، که من هم دموکرات هستم، زیرا من نماینده تنها حکومت دموکراسی عالم می‌باشم. ولی او اشتباه می‌کند، که با ما از در خصومت داخل شده و راه ما را به طرف دریا مسدود نموده. من یقین دارم عاقبت مضار این سیاست متوجه خود او خواهد شد... چه شایعات بی‌اساسی! چه افکار وحشیانه! چگونه ما می‌توانیم با میرزا کوچک‌خان همفکر باشیم، در صورتی که او مظهر انقلاب و هرج و مرج است و ما طرفدار نظم و آسایش عمومی، ولی شما با کمال شدت بر علیه ورود و اقامت ما در این جا اعتراض و پروتست کردید و من برای اثبات بیانات خود دلایل و مدارک مثبتی در دست دارم و انگهی از قطعنامه و بیان‌نامه‌های شما پرواضح است که شما تصمیم گرفته‌اید ما را در رختخوابمان به قتل رسانده و نابودمان کنید، و جنگلی‌ها هم یقیناً در این عمل با شما همراهی خواهند کرد.<sup>۴۹</sup>

سخنرانی و تهدیدات زیرکانه دسترویل کوچک‌ترین تأثیری در روحیه مبارزه‌جویی دموکرات‌ها علیه انگلیسی‌ها و طرفداری از میرزا کوچک‌خان نداشت. ژنرال به این امر اعتراف دارد:

عقیده ندارم که این قبیل صحبت‌ها برای دموکرات‌ها فایده داشته باشد ولی در هر صورت آنها از اظهار اینگونه مطالب خیلی خوشوقت و مسرور بودند و یقیناً هم پیش خودشان اظهار خوشوقتی می‌کردند که چگونه ژنرال انگلیسی این مزخرفات و لاطائلات آنها را راجع به اظهار نفرت از میرزا کوچک‌خان و عدم عذرخواهی آلمان‌ها و ترک‌ها شنیده و باور کرده!<sup>۵۰</sup>

در این زمان انگلیسی‌ها بعد از مدت‌ها، خود را برای مقابله جلدی با میرزا کوچک‌خان و نهضت جنگل آماده کرده،<sup>۵۱</sup> شروع به جذب داوطلب از مردم همدان نمودند، که این اقدام با واکنش شدید دموکرات‌ها روبه‌رو شد. دموکرات‌ها با صدور اعلامیه و بیانیه مردم را از این کار برحذر داشتند:

حمایت دموکرات‌های همدان از نهضت جنگل و...

در سراسر شهر اعلانات چاپی از طرف دموکرات‌ها الصاق کرده بودند، مبنی بر این که خدمت‌کنندگان به انگلیس گرفتار غضب و انتقام ملت خواهند شد، و دشمنه جلاد هر کس را که متشبث به این عمل پست شود، سزایش را به دستش می‌گذارد.<sup>۵۳</sup>

در پی تشدید فعالیت دموکرات‌ها، دنسترویل تنها چاره خود را دستگیری و تبعید آنان دید. وی فریدالدوله، لیدر دموکرات را دستگیر و یکسره به هندوستان تبعید کرد.<sup>۵۳</sup> از میان روحانیون نیز شیخ علی ثقة‌الاسلام همدانی که طرفدار اتحاد دنیای اسلام و میرزا کوچک‌خان بود، به همان سرنوشت دچار شد.<sup>۵۴</sup>

انگلیسی‌ها پس از تبعید این افراد، تا اندازه‌ای توانستند، اوضاع شهر را در دست گیرند، در این موقع که اوضاع همدان رو به اختلال و هرج و مرج گذاشته بود، در نتیجه، برای تأمین آسایش و حفظ انتظامات عمومی، فریدالدوله سردسته دموکرات‌های افراطی از شهر تبعید شدند، که از همان روز تبعید آن‌ها اختلال و هرج و مرج در شهر موقوف گردید... همدان بعد از توقیف حکومت و دستگیری فریدالدوله، یکی از متمرذین درجه اول محل رو به آرامش گذاشت.<sup>۵۵</sup>

پس از دستگیری فریدالدوله و افراد دیگر و جایگزینی حاکم همدان، دنسترویل مدعی شد: اگر با نهضت جنگل مقابله نمی‌شد و ارتباط آنان با سایر جاها از جمله همدان قطع نمی‌گردید، چه بسا انقلابی عظیم به وجود می‌آمد... و اهالی و سکنه همدان و سایر بلاد ایران هم تحت تبلیغات دموکرات‌ها [به انقلابیون] نهضت جنگل [ملحق گردیده و سرتاسر شمال ایران به زودی در منجلاب بالشویزم غوطه‌ور می‌شد...<sup>۵۶</sup>

همدان به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص خود، که شمال، مرکز و غرب ایران را به همدیگر مرتبط می‌سازد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. از همین رو فعالیت دموکرات‌ها و مردم همدان علیه انگلیسی‌ها و از سوی دیگر طرفداری آنان از میرزا کوچک‌خان و آلمانی‌ها، برای انگلیسی‌ها دارای اهمیت حیاتی بود؛ چرا که در صورت وقوع یک قیام مسلحانه، تمام خطوط ارتباطی و مراسلاتی آن‌ها با پشت جبهه و بین‌النهرین قطع می‌شد، ضربه مهلکه به آنان وارد می‌آمد. از طرف دیگر تعداد نیرو و تجهیزات و فعالیت‌های انگلیسی به راحتی به اطلاع جنگلی‌ها رسانده می‌شد. به همین سبب دنسترویل با کنترل پنهانی تلگراف‌خانه سعی نمود اطلاعات لازم را به دست آورده از غفلت نیروهای انگلیسی جلوگیری کند و مانع هرگونه حرکت انقلابی و مسلحانه دموکرات‌ها و هواداران میرزا در همدان گردد. در نهایت او با کمک دولت مرکزی ایران توانست، مبارزان همدان را تبعید و این ارتباط و همکاری را قطع کند. به این ترتیب، یک بار دیگر حرکت عدالت‌جویانه و استقلال‌طلبانه یکی از مناطق ایران به دست استعمار پیر، سرکوب و منکوب گردید. البته اگر نهضت جنگل به پیروزی می‌رسید، شاید، این آتش زیر خاکستر همدان شعله‌ور می‌گشت.

پانوشتها:

- ۱- براون، ادوارد، *انقلاب ایران*، ترجمه احمد پژوه، تهران، کانون معرفت، ۱۳۳۸ش، ص ۳۲۳.
- ۲- ایوانف، م. س، *انقلاب مشروطیت ایران*، ترجمه آذر تبریزی، تهران، شبگیر، ارمنان، ۱۳۵۷ش، ص ۸۶.
- ۳- حاج شیخ محمد بهاری، فرزند محمدجعفر بهاری در ۱۲۷۵ ه ق در بهار همدان متولد شد. او از شاگردان آخوند ملامحمد کاظم خراسانی در نجف بود. سپس منصب اجتهاد و امامت مسجد جامع همدان را یافت. وی در انقلاب مشروطه یکی از آزادی خواهان و رهبران بنام در همدان بود که حتی نیروی مسلح تشکیل داد و از لحاظ نظری نیز رساله «ایضاح الخطاء فی الردع عن الاستبداد» در رد بیانیه شیخ فضل الله نوری نوشت.
- ۴- معاصر، حسن، *تاریخ استقرار مشروطیت در ایران*، ج دوم، تهران، ابن سینا، ۱۳۵۳ش، ص ۱۱۰.
- ۵- میرزا محمدحسن خان کبابیانی در حدود ۱۲۹۵ ه ق در همدان زاده شد. او فرزند میرزا اسماعیل مستشار از خاندان معروف گلگون همدان بود که در جریان انقلاب مشروطه و شورش نان خواهی مردم همدان علیه خوانین قراگوزلو از افراد فعال بود. وی رهبر دمکرات ها بود که در جریان جنگ جهانی اول توسط انگلیسی ها دستگیر و به هندوستان تبعید گردید. او از چهره های فرهنگی - سیاسی همدان به شمار می رود که در سال ۱۳۱۶ش درگذشت.
- ۶- کتاب نارنجی، ج ۲، به کوشش احمد بشیری، تهران، نشر نور، ۱۳۶۶ش، ص ۸۸.
- ۷- *اثر انقلاب*، س اول، ش ۳، ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۲۷، ص ۲.
- ۸- ر.ک: *دستوریل، گ. اگر: سرکویگر جنگل (نخاطرات دستوریل)*، ترجمه حسین انصاری، تهران، فرزانه، بی تا، صص ۱۶۱-۱۹۲.
- ۹- *اثر انقلاب*، س اول، ش ۳، ۲۰ جمادی الثانی ۱۳۲۷، ص ۱.
- ۱۰- سازمان اسناد ملی ایران، سند ش ۵۰۷ ط ه ب آ ۱۱۵۳/۱۰۱۱۵۳۰۰۲۹۳۰
- ۱۱- سیدحسن مدنی، مترجم النظام همدان، فرزند حاج سید محمود مدنی (صدیق الاشراف) کردستانی الاصل، از افاضل صدر مشروطه و آغاز تجدیدگرایی بود. پدرش از بازرگانان معتبر بود. سیدحسین به امر مظفرالدین شاه برای ادامه تحصیل به اروپا و آمریکا رفت و در دانشگاه «وال پالیزو» آمریکا با چند دانشجوی مسلمان از اندونزی، چین و ترکمنستان آشنا شد که یکی از آنان دکتر «احمد سوکارنو» رئیس جمهور فقید اندونزی بود. اینان برای اولین بار انجمن دانشجویان مسلمان دنیا را در دانشگاه یاد شده تأسیس کردند. مترجم نظام مدنی بعد از تحصیل با مدرک دکتری تجارت به ایران مراجعت نموده و در مدرسه تجارت با درجه استادی مشغول خدمت گردید. او اولین رئیس اداره معارف همدان بعد از مشروطیت بود.
- ۱۲- سیدمحمد یوسف زاده که در شعر غم نام تخلص می کرد، فرزند سید یوسف، در سال ۱۲۹۲ قمری برابر ۱۲۵۳ شمسی در کربلا قدم به عرصه هستی نهاد. تحصیلات مقدماتی را تا سیزده سالگی در زادگاه خود فراگرفت. آنگاه به اتفاق پدر به ایران آمد و در همدان اقامت گزید. غم نام ادبیات فارسی و عربی و فقه و اصول و فلسفه را نزد استادان آن سامان آموخت. چندی نیز به تجارت مشغول شد و مدتی نیز در ادارات دولتی خدمت کرد. غم نام در آغاز نهضت مشروطیت در شمار آزادیخواهان درآمد و به همین منظور به تأسیس انجمن اتحاد اقدام کرد. در سال ۱۳۲۵ قمری روزنامه *الفات* را انتشار داد و از این رهگذر به بیداری مردم کمک نمود. تا سال ۱۲۹۱ شمسی فعالیت سیاسی او ادامه داشت. از این پس دیگر در امور سیاسی مداخله نکرد و همچنان به کارهای ادبی پرداخت. غم نام شاعری غزلسرا بود. دیوان اشعارش با مقدمه ای جامع به قلم موسی نژی انتشار یافت. وفاتش در سوم مهرماه ۱۳۲۱ شمسی در تهران اتفاق افتاد. پیکر آن فقید به همدان منتقل و در مقبره خانوادگی شاهزاده حسین به خاک سپرده شد.
- ۱۳- دولت آبادی، یحیی، حیات یحیی، ج ۳، تهران، عطار، فردوسی، ۱۳۷۱ش، ص ۱۲.
- ۱۴- مجموعه *اسناد عبدالحسین میرزا فرمانفرما*، ۱۳۲۵ - ۱۲۴۰ ق، ج ۱، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سیروس سعدوندیان، تهران، نشر تاریخ، ۱۳۶۴ش، صص ۱۹۴-۱۹۳.
- ۱۵- سپهر، مورخ الدوله، *ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۸ م*، تهران، ادیب، ۱۳۶۲ش، ص ۲۴۴.
- ۱۶- همان، ص ۲۴۵.
- ۱۷- *اسناد جنگ جهانی اول در ایران*، به کوشش بهروز قطبی، تهران، قرن، ۱۳۷۰ش، ص ۱۷۵.
- ۱۸- میروشینکف، ل. ی، *ایران در جنگ جهانی اول*، ترجمه ع. دخانیان، تهران، فرزانه، ۱۳۴۵ش، ص ۵۰.
- ۱۹- همان، ص ۵۵.

حمایت دموکرات‌های همدان از نهضت جنگل و...

- ۲۰- قائم‌مقامی، رضاقلی، وقایع غرب ایران در جنگ جهانی اول، اراک، فروردین، بی‌تا، صص ۶۷-۶۵.
- ۲۱- مصاحبه با دکتر علی اقبالی (رئیس موسسه مهندس عمران و توسعه روستاها، همدان).
- ۲۲- فریدالملک، محمدعلی خان، خاطرات فرید، به کوشش مسعود فرید، تهران، زوار، ۱۳۵۶ش، ص ۴۴۹.
- ۲۳- سپهر، مورخ‌الدوله، همان، ص ۳۸۵.
- ۲۴- گیلک (خمامی)، محمدعلی، تاریخ انقلاب جنگل، رشت، گیلکان، ۱۳۷۱ش، ص ۳۷.
- ۲۵- فنخراهی، ابراهیم، سردار جنگل، تهران، جاویدان، ج دوازدهم، ۱۳۶۸ش، ص ۲۶.
- ۲۶- همان، ص ۸۹.
- ۲۷- ر.ک: اسناد جنگ جهانی اول در ایران، به کوشش بهروز قطبی، صص ۱۸۰-۱۷۸.
- ۲۸- تاریخ انقلاب جنگل... همان، ص ۳۹.
- ۲۹- مدنی، میراحمد، جنبش جنگلی و میرزا کوچک‌خان (خاطرات میراحمد مدنی)، به کوشش سید محمدتقی میرابوالقاسمی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۷ش، ص ۴۸.
- ۳۰- تاریخ انقلاب جنگل... همان، ص ۴۵.
- ۳۱- همان، صص ۷۶-۷۵.
- ۳۲- کتابی، احمد، سرزمین میرزا کوچک‌خان - پژوهشی درباره گیلان...، تهران، معصومی، ۱۳۶۲، ص ۱۲۶.
- ۳۳- سرکوبگر جنگل، ص ۷۰.
- ۳۴- همان، ص ۸۵.
- ۳۵- همان، ص ۸۶.
- ۳۶- همان، صص ۸۷-۷۹.
- ۳۷- همان، ص ۱۳۱.
- ۳۸- همان، ص ۱۳۲.
- ۳۹- همان.
- ۴۰- همان، ص ۹۸.
- ۴۱- همان، ص ۱۳۲.
- ۴۲- ر.ک: برنا، قاسم، تاریخچه مجلات و روزنامه‌های صدسال اخیر همدان، هگمتانه، شم ۴۲-۴۱، ۱۳۷۳ش، ص ۱۲.
- ۴۳- سرکوبگر جنگل، ص ۱۱۳.
- ۴۴- همان، ص ۱۱۶.
- ۴۵- خاطرات فرید، ص ۴۴۷.
- ۴۶- سرکوبگر جنگل، ص ۱۶۴.
- ۴۷- همان، ص ۱۵۵.
- ۴۸- همان، ص ۱۲۹.
- ۴۹- همان، صص ۱۳۵-۱۳۴.
- ۵۰- همان، ص ۱۳۶.
- ۵۱- کوهستانی‌نژاد، مسعود، «خورشید بر فراز جنگل»، گنجینه اسناد (ویژه‌نامه نهضت جنگل)، س ۱۱، دفتر سوم، شم ۴۳، پاییز ۱۳۸۰، ص ۲۸.
- ۵۲- سرکوبگر جنگل، ص ۸۸.
- ۵۳- ر.ک: اذکابی، پرویز، فریدالدوله گلگون، آینده، س ۱۸، شم ۱۶، (فروردین و شهریور ۱۳۷۱)، ص ۷۷، دنسترویل، همان، ص ۲۵۴.
- ۵۴- مصاحبه با دکتر علی اقبالی.
- ۵۵- فریدالدوله گلگون، همان جا؛ سرکوبگر جنگل، صص ۲۶۷-۲۵۴.
- ۵۶- سرکوبگر جنگل، صص ۲۶۷-۲۵۴.